

با نگاهی به برخی از فیلم های سی و یکمین

جشنواره فیلم فجر

سینمای اجتماعی و بقای جامعه

■ آرش فهیم



یکی از ویژگی های سی و یکمین جشنواره فیلم فجر حضور بیشتر فیلم های اجتماعی درمناگر نسبت به دوره های قبل است. فیلم هایی که هدفشان اصلاح مسائل اجتماعی است. اما مشکل اصلی این گونه فیلم ها ضعف در واقع گرایی است. اما اهمیت واقع گرایی یا به بیان بهتر، واقع نمایی در سینما چیست؟

یکی از کارکردهای سینما و عوامل جذابیت بی نظیر آن در میان سایر قالب های هنری و رسانه ای، آینه سان بودن آن در مقابل واقعیت هاست. هیچ یک ابزارهای ساخت دست بشر مانند سینما نمی تواند در عین مصنوعی بودن، واقعی هم باشد. به هر حال، سینما بخشی از فرهنگ است و به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی، مهم ترین نقش را در بازنمایی و انتشار فرهنگ در جوامع بازی می کند. موضوعی که سبب شده تا سینما جایگاهی فراتر از یک اسباب تفریح پیدا کند و به عنوان موضوعی برای مطالعه فرهنگ و جامعه تبدیل شده؛ برای مطالعه هر جامعه یا قومی در هر دوره‌ای از تاریخ، منابع شاخصی وجود داشته است. به عنوان مثال برای مطالعه دوران باستان، از طریق وسایل به جا مانده از گروه های انسانی یا نقوش و طرح‌هایی که بر محیط ترسیم شده می توان به بررسی شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوران پرداخت. در دوران تاریخی، علاوه بر موارد مذکور، آثار ادبی و هنری، منابع قابل توجهی برای مطالعه جوامع و اقوام هستند. اما آیندگان اگر قصد تحقیق درباره جوامع و فرهنگ های امروزی را داشته باشند، بدون شک یکی از منابعی که کمک شایانی به آن ها خواهد کرد، فیلم‌های سینمایی است. اگرچه هر رشته هنری و هر رسانه‌ای جایگاه خاص خودش را دارد، اما زبان پیچیده و اسرارآمیز سینما، با پیچیدگی جوامع انسانی مدرن و پسادرن تطابق بیشتری دارد و به نسبت سایر قالب‌ها، از گویایی بیشتری برخوردار است.

فیلم ها متونیی تصویری و قابل تفسیر هستند که به‌بازنمایی عناصر فرهنگی، نظیر باورداشت ها، جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، ارزش ها و... می‌پردازند. به همین علت سینما را گاه صدقاً ضمیر جمعی بشر دانسته‌اند که چون آئینه‌ای جادو، چهره باطنی انسان (نوع بشر) را منعکس می کند. بهترین تعریف و تعبیر درباره سینما این بیان شهید آوینی است که " سینما «آینه جادو» است ؛ آینه‌ای که در آن چهره باطنی بشر امروز بی پرده انعکاس یافته است."

علاوه بر این قابلیت‌ها که منظر سینما، آنچه باعث می شود فیلم های تولید شده را به عنوان یک تجلی اجتماعی در نظر بگیریم، این است که این آثار، برآیندی نسبی از یک شرایط اجتماعی خاص هستند. این که آثار سینمایی برداشت شخصی خالقانشان هستند، غیرقابل انکار است. اما فیلم‌سازان در تنهایی و خلأ کار نمی کنند. تولید هیچ یک از فیلم های سینمایی به چند نام به عنوان کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر، آهنگساز، تدوینگر و سایر عوامل تولید محدود نمی شود. بلکه حاصل تعاملات اجتماعی گوناگون است.

به همین دلالت است که سینماگران مسئولیت سنگینی در قبال جامعه دارند؛ بدون تردید مهم ترین ویژگی فیلمساز و فیلم مانا تأثیرگذار، قائل بودن به تعهد اجتماعی و حساسیت در مقابل مسائل جامعه است. همچنان که اغلب آثار برجسته و قابل بحث تاریخ سینمای جهان نیز واجد چنین مشخصه ای بوده اند.

در سینمای کشور ما نیز بسیاری از فیلمسازها علاقه وافری به بازنمایی چالش های اجتماعی داشته اند. با این حال بسیاری از آثاری که مهر اجتماعی بودن خورده اند، روایان صادق و متعهدی برای جامعه خویش نبوده اند. غلبه سنت ها و پندارهای شیبه روشنفکرانه، مهم ترین عامل عدم یویایی این گونه فیلم ها بوده اند. سینمای اجتماعی نمایانه ایران عمدتا غیر بومی بوده و تحت تأثیر سینمای اروپا نمو یافته و مقصد و هدفش نیز جشنواره های خارجی بوده، نه اصلاح جامعه خویش.

در سی و یکمین جشنواره فیلم فجر نیز بسیاری از فیلم ها با رویکرد اجتماعی ساخته شده اند. آثاری که اغلب سعی در نمایش التهابات و معضلات جامعه را دارند. البته با نگاه منصفانه، فیلم های امسال نسبتا به دوره های گذشته جشنواره فجر، آلودگی های کمتری دارند. با این حال، این آثار نیز به شکل ضعف واقع نمایی مبتلا هستند.

نمونه چنین فیلم هایی «حوض نقاشی» به کارگردانی مازیار میری است. فیلمی دل پذیر و موثر درباره زندگی یک زوج مبتلا به یک بیماری خاص روانی که در آن سعی شده تا برخی از مشکلات امروز جامعه نیز گفته شود. با این حال طرح مشکلاتی چون بیکاری کارگران و تحریم اقتصادی در این فیلم، تنها درحد متلک پررانی و دهن کجی است. به همین دلیل هم بازنمایی مشکلات اجتماعی از روایت فیلم بیرون زده و شعاری از آب درآمده است. در فیلم «برند» نیز که نمونه ای است از یک فیلم درمناگر و هشدار دهنده درباره آسیب های در کمین دختران جوان، اما اساس داستان ایراد دارد. چون، تعریفی که از شخصیت محوری فیلم ارائه می شود با رفتارهای او در تضاد است. قهرمان این فیلم، دانشجوی تیزهوش و اخلاق گرایی معرفی می شود، اما به سادگی در مقابل دوست فاسد و کلاهبردارش فریب می خورد.

چند فیلم هم در جشنواره امسال درباره موضوع قصاص ساخته شده اند که همه، آثاری اجتماعی محسوب می شوند. اما مشکل اساسی این فیلم ها در زمینه واقع گرایی، نمایش چهره ای مثبت، مشخص و دوست داشتنی از قاتل ها و از آن سو، بی رحم نشان دادن خانواده و خویشاوندان متقولات است؛ فیلم های «روز روشن»، «دهلیز» و ... این چنین هستند. به هر حال فرد متهم به قتل عمد، دچار ضعف شخصیتی است، اما در این فیلم ها چنین واقعیت مسلمی تحریف می شود.

نکنه دیگری که در فیلم های اجتماعی این دوره از جشنواره فیلم

فجر – و به طور کلی همه فیلم های سینمایی ما- قابل بحث است،

ترسیم چهره ای بیمار و منحرف از نسل جوان است. علاوه بر آثار مذکور،

فیلم هایی چون «کلاس هنرپیشگی»، «قاعده تصادف»، «چه خوبه که

برگشتی» و ... همه دارای این مشکل در واقع گرایی هستند که در آن ها

حتی یک کاراکتر جوان، اما سالم و پویا دیده نمی شود. حتی اگر پذیریم

که بخشی از جوانان جامعه امروز ما با بچران مواجه هستند، اما اکثریت

این گونه نیستند. آیا غیر از این است که موفقیت های علمی و ورزشی

سیاسی و نظامی که در کشورمان رخ می دهند، کار جوانان است؟

اما در فیلم های اجتماعی جشنواره فجر، تنها بخش کوچکی از واقعیات

مربوط به جوانان ایرانی به تصویر کشیده می شود و اغلب واقعیت ها در

این باره، آگاهانه یا ناآگاهانه سانسور می شوند.

آزدره بازن معتقد بود که تصویر و به ویژه سینما، می تواند موجب

بقای زمان و واقعیت شود. اما باید گفت، سینمای اجتماعی اگر به معنای

واقعیه کلمه واقع نما و متعهد به جامعه باشد، می تواند موجب بقای یک

جامعه شود. با این حال، حضور سینمای اجتماعی درمناگر در سینمای

امروز ما کم رنگ، ابتر و ناقص است.

سینمای لیبرالیستی در تضاد با اخلاق و عدالت است

سینمای لیبرالیستی در تضاد با اخلاق و عدالت است

حسن رحیم پور ازغدی در کنفرانس هالیوودیسم که در حاشیه سی و یکمین جشنواره فیلم فجر برگزار شد به بیان تازه ترین نظرات خود درباره سینما پرداخت.

وی در ابتدای این نشست اظهار داشت: درباره نقد هالیوودیسم با بعد سیاسی و اقتصادی آن که در سخنرانی‌های قبل به آن‌ها پرداخته شد کاری ندارم بلکه بحث من درباره فلسفه هالیوودیسم و ارتباطش با انقلاب اسلامی ایران است.

وی افزود: امروز حتی در فضاهای روشنفکری که در برابر هالیوودیسم به وجود آمده است، مرض‌های زیادی نیز وجود دارد که می‌خواهیم ببینیم در مقابله با آن‌ها چه می‌شود کرد. یعنی در این محافل چگونه ادبیات اقلیت می‌تواند تبدیل به سینمای اکثریت شود، بچه اتفاقی افتاده که کارگردانان ماهر جای نویسندگان زبردست را گرفته‌اند آیا این مشکل قابل حل است و اگر آری چگونه؟

او در ادامه گفت: در عرصه سیاسی هالیوود موضوع کمی شفاف‌تر است. کارخانه دروغ‌سازی، مصور کردن دروغ، تحقیر حقیقت توسط متخصصین سینمای غرب و به طور خاص سینمای صهیونیستی هالیوود است که آن‌ها در این زمینه تخصص پیدا کرده‌اند. آنها تخصص‌شان در نحوه شوک وارد کردن به افکار عمومی از طریق خشونت‌های تصویری و تجربیات مخاطب از واقعیت است.

ازغدی در ادامه یادآور شد: تجربه‌ها باید تفسیر، تنظیم و مرتب شوند. مفاهیم باید خلق شده تا از طریق آن‌ها تجربه‌ها به‌نظم داده شوند. باید به این مفاهیم و تجربه‌ها انسجام بخشیم یک نظام بخشی خودکار تقریبا به طور یکنواخت کارش را در همه حال انجام می‌دهد. البته در این میان یک مقولات مصنوعی نیز وجود دارد که از طریق ابزارهایی چون سینما خودش را قالب کرده و حقیقت را کنترل می‌کند، جهانی که تجربه می‌کنید جهانی از واقعیات نیست که بر شما آشکار شود بلکه محصول جراحی سینماست و سینمای صهیونیستی و امپریالیستی این واقعیات را تحریف می‌کنند.

وی افزود: جهانی که شما می‌شناسید از طریق پرده سینما جهانی

است که در چارچوب مقولات مصنوعی در اتاق فرمان نظام سرمایه‌داری صهیونیست ساخته شده، شما با واقعیات بی‌نفسه مواج نمی‌شید بلکه با واقعیت آن گونه که آن‌ها می‌گویند و می‌خواهند روبه رو می‌شوید. واقعیت دیگر ماده خام نیست بلکه ماده خام کار شده‌ای است که از کارخانه تئوری

حسن رحیم پور ازغدی در حاشیه جشنواره فیلم فجر:

سینمای لیبرالیستی در تضاد با اخلاق و عدالت است



سازی و تعریف معانی بیرون می‌آید و بعد ما با آن مواجه می‌شویم پس ما امروز کشف نمی‌کنیم بلکه مصرف می‌کنیم.

وی ادامه داد: امروزه بسیاری از مفاهیم از طریق تصاویر منتقل می‌شوند نه با صدا یعنی اگر چه صدا در میزان تأثیرگذاری فوق‌العاده مهم است اما تصویر بدون صدا نیز کار خودش را می‌کند.

رحیم‌پور ازغدی با تشبیه سینمای غرب به سگ‌هایی از آمیاشگاهی پاولف گفت: مخاطب در سینمای غرب به سگ‌هایی می‌ماند که پاولف در آزمایشگاهش تربیت کرده بود، سگ‌های پاولف با صدای زنگ اول یک نوع واکنش و با صدای دوم واکنش دیگری نشان می‌دادند و هالیوود دقیقا دارد با مخاطبان خودش چنین کاری می‌کند تا همانند سگ‌های پاولف در برابر سینمایی شامل فکر، خشونت و مایجولیا یک نوع واکنش نشان دهند آن‌ها روی این واکنش‌ها حساب کرده‌اند این واکنش‌ها مدیریت می‌شوند امروز مفاهیم کاملا انتزاعی و صوری به مخاطبان القا می‌شود.

او با طرح این سوال که آیا اساسا صفت دینی برای سینما مطرح است یا خیر؟ پاسخ داد: البته نمی‌دانم این در غرب معنایی دارد یا خیر؟ البته تا آنجایی که می‌دانستم تا یک دهه پیش چنین چیزی وجود داشت کسانی معتقدند که این یک تجربه ممنوع هنری است به این معنا که سینما کسی را بیدار نمی‌کند، بلکه مخاطبش را به خوابگردهایی تبدیل می‌کند که در خواب حرف می‌زند، راه می‌رود فکر می‌کند و حتی واکنش

نشان می‌دهد و چون دین برای بیداری بشر آمده نمی‌تواند با این مخدر همکاری داشته باشد.

وی افزود: این دیدگاهی است که شاید از برخی جهات درست باشد ولی به طور بنیادی از نظر من مردود است، سینمای فعلی یک سینمای مسخ کننده است و کار مشروبات الکلی و مواد مخدر را می‌کند. شکی در آن نیست سینمای بیدارگری نیست، سینمای غفلت است، سینمای آگاهی نیست، امروز در غرب هزاران کانال‌های تلویزیونی خصوصی و صدها هزار نشریه و روزنامه وجود دارد ولی شاید تنها یکی دو میکروفون در این میان وجود داشته باشد. در واقع تفاوت نظام سرمایه‌داری غرب با نظام کمونیستی در این است که نظام سرمایه‌داری و کاپیتالیستی غرب سیاستمداران دیکتاتوری می‌کند ولی کمونیست‌ها ابلهانه دیکتاتوری می‌کنند. کمونیست‌ها رادیوها را ابزار قرار داده‌اند گیرنده‌ها را در انحصار خود در آورده‌اند ولی نظام سرمایه‌داری غرب به گیرنده‌ها دست نمی‌زند گیرنده‌ها صدها، صدها هزارند ولی فرستنده تنها یکی است این است تفاوت سانسور امپریالیستی غرب با سانسور مارکسیستی و فاشیستی، مهم نیست تعداد بلندگوها چقدر است باید ببینیم میکروفن در دست کیست.

ازغدی گفت: به عقیده برخی اساسا این مشکل به ماهیت سینما بازمی‌گردد و به عقیده آن‌ها این فقط مشکل سینمای غرب نیست بلکه در تکنولوژی سینما ریشه دارد این را ما به هیچ وجه نمی‌پذیریم، به عقیده ما این مشکل سینمای غرب است که حتی مذهب را سکولاریزه کرده است و به اخلاق و معنویت نگاهی کاملا فردی دارد. البته حتی در دیدگاه ما نیز حل مشکل تصویر درست دین در سینما نیز بسیار پیچیده و مشکل است ولی به هر حال حل شدنی است. کار آن‌ها این است که مفاهیم الهی را از متن آن جدا می‌کنند و آن را به یک سرگرمی تبدیل می‌کنند.

این اندیشمند در تعریف سینمای انقلاب گفت: اگر انقلاب اسلامی از نظر تزئینک ترکیبی باشد از معنویت ، دین و عدالت ، سینمای انقلاب اسلامی نیز ترکیبی از این سه است و بنابراین، اینکه بگوییم سینما این جهانی و معنویت آن جهانی است و نمی‌توان بین آنها ارتباطی برقرار کرد، مطلب کاملا اشتباهی است. آنچنان‌که در انقلاب اسلامی ما برای جهانی و آن جهانی مطرح نیست ، هرچیز که این جهانی است باید و می‌تواند آن جهانی باشد.

گفت و گو با حمید بهمنی کارگردان فیلم "گام های شیدایی"

مسئولین فرهنگی مثل رهبر معظم انقلاب، فرهنگی بیندیشند

■ لیلا کریمی



می‌توانیم کمر دشمن را به خاک بمالیم . متأسفانه در این سال های اخیر مبارزه با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران صریح تر و روشن تر شده است و فیلم های فراوانی با مضمون ضد ایرانی می‌سازند.ما نباید در مقابل ساخت این فیلم ها منفعل باشیم. هنرمند باید دراین شرایط از خود عکس العمل نشان دهد و البته من خودم را هنرمند نمی‌دانم ولی به عنوان یک ایرانی خودم را موظف در دفاع فرهنگی از کشورم می‌دانم؛ بنابراین تصمیم گرفتم در این فضا کار کنم و با خود گفتم در میان انبوه تیرهای فرهنگی که علیه ایران پرتاب می‌شود ما هم با یک تیز بفرستیم.

فیلمنامه "گام های شیدایی" بر اساس واقعیت نوشته شده است؟

تمام موضوعات و مفاهیمی که در این فیلم آورده شده است بر اساس اسناد و مدارک است. و در روند تحقیقات و پژوهش طراحی و انتخاب شده اند.

رفتارهای غیرفرهنگی برخی از نمایندگان رسانه های اصلاح طلب و منتقدان نشریه های تخصصی سینمایی در جشنواره فیلم فجر، انتقاد یک بازیگر و کارگردان را برانگیخت. در حین اکران فیلم "بشارت به یک شهروند هزاره سوم" برخی افراد نیز از پرخلوانده ترین ویژه نامه های کف و سوت، فیلم را به تسمخ گرفتند. این رفتارها باعث شد که هنگامه قضایایی، بازیگر این فیلم در نشست پرسش و پاسخ اعتراض کند و بگوید: "سالن رسانه های گروهی چاله میدان نیست که این گونه رفتارها رخ می دهد بلکه این سالن مخصوص افراد فرهنگی است." هادی کریمی کارگردان این فیلم هم گفت: «حرکتی توسط یکی از افراد حاضر در سالن رخ داد که در خیابان هم کسی انجام ندهد.» متأسفانه طی سال های اخیر در سینمای نمایندگان رسانه ها، برخی از خبرنگاران منتسب به رسانه های زنجیره ای و نشریات زرد و تخصصی سینمایی، رفتارهای لمپنیستی و زننده ای را در حین نمایش فیلم ها از خود بروز می دهند.

یکی از اتفاقات خوب این دوره از جشنواره فیلم فجر، انتشار ویژه نامه های تحلیلی و نقادانه از سوی روزنامه نگاران جوان اصولگرا درباره جشنواره فجر است.

فیلم جنگی باشیم .

وی افزود: دیدگاه

انقلاب اسلامی این

است که بازار، دانشگاه ،

کارخانه ، مزرعه ، جبهه

جنگ و آکادمی هنر

همه و همه می‌توانند

مسجد باشند؛ اگر که در

مسیر معنویت، عقلایت

و تربیت اخلاقی دینی به کار گرفته شوند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: ما در عرصه سینما با سینمای لیبرالیستی

و سینمای فرودبستی و از این قبیل مواجهیم. همان طور که گفتم

کارگردان و فیلمنامه نویس و هنرپیشه غالباً از این چیزها چیزی سرر

در نمی‌آورند مگر یک مفاهیم ژورنالیستی. اما کسانی که ذهن‌ها را این

طور تربیت کرده اند که به مفاهیم انسانی از چه منظری نگاه شود، آنها

توانسته اند مثل اسفنج که آب را در خودش جذب می‌کند افکار عمومی

و نخبگان در غرب و دانشگاه‌های دنیا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

رحیم‌پور ازغدی اضافه کرد: سینمای لیبرال، هر نوع مسئولیت

اخلاقی را یک شر ضروری حداقلی می‌داند که باید از دستش خلاص

شد، هدفش این است که نشان دهد آنچه اصالت دارد نفسیات بشر است

نه معنویت که این نیز مبتنی می‌شود بر دیدگاه هایز و لایک و منابع

انسان شناختی سنت لیبرال؛ آنها اساسا بر این عقیده‌اند که انسان باید

بدون هیچ محدودیتی در هر زمان به هرچه می‌خواهد برسد و هیچ مرز

قانونی ، دینی و اخلاقی نیز نباید مانع آن شود، به عقیده آنها همه چیز

در خدمت نفسیات و شهوت بشر است.

وی اظهار داشت: انسان شناسی لیبرال موجود در فیلم های هالیوودی

مفهومی است که انسان‌ها برای رسیدن به خواسته‌هایشان همچون سگ های

وحشی و دیگر را می‌درند و جلوی می‌روند، ما حتی در تعریف خودمان

از انسان اولیه تعریفی کاملا متفاوت داریم.آنها انسان بدوی و غارتشین

را خالی از هرگونه اخلاقی و عقلایت می‌دانند ولی در نظر ما ادبی ترین

انسان همان آدم و حوا ، هابیل و قابیل بوده‌اند که در دیالوگ هایشان

اخلاقی را مشاهده می‌کنیم. سینمای هالیوود براساس گزاره‌هایی از این

دست که عقل برده شهوت است و اخلاق تنها محصول خودی ماست و

خدا ما را نیافریده و ما خدا را آفریده‌ایم شکل گرفته است.



مسئولین فرهنگی ما مثل رهبر معظم انقلاب فکر می‌کردند مشکل حل می‌شد. کتاب "شرح اسم" و "حافظ هفت" را خواندم، متوجه شدم که آقا یک رهبر کاملا فرهنگی و مسلط به مفاهیم سیاسی و اعتقادی و دینی هستند. آقا به قدری نگاهشان به مقوله فرهنگ نافذ و عمیق است که سایر دوستان و مدیران یک درصد آن را هم ندارند.

سی و یکمین جشنواره فیلم فجر را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

با وجودی که در حوزه هایی چون انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، جنگ نرم و سینمای اجتماعی راهگشا همچنان با کمبودهای مواجه هستیم اما محتوای آثار این دوره از جشنواره فیلم فجر نسبت به سال گذشته بهتر شده است. اما کم بودن ساخت فیلم های دفاع مقدسی که یک پشتوانه اعتقادی و دینی محسوب می شود، برای فرهنگ و نظام جمهوری اسلامی ما ایراد است. در حقیقت اگر دفاع مقدس به عنوان یک پیشرفت سینمای ایران جای داده نشد . «فرشتگان قصاب" فیلم قابلی بود و از آن می توان دفاع کرد. تعجب می کنم چرا دوران شرایط فرهنگی و مبارزات فرهنگی ما را علیه آمریکا درست درک نکردند و این فیلم نابوده گرفته شد.

دیپلماسی و سیاست خارجی ایران در تضاد با آمریکاست،

اما این را در هنر سینما نشان نداده ایم. چرا دو عرصه هنر و

سیاست به موازات هم حرکت نکرده اند؟

متأسفانه این زجری است که من سال ها آن را تحمل می‌کنم و اگر

حاشیه های جشنواره سی و یکم

انتقاد یک بازیگر از رفتارهای لمپنیستی نمایندگان رسانه های اصلاح طلب



این محل حاشیه های نامطلوبی را ایجاد می کرد. به طوری که گاهی شاهد ایجاد درگیری لفظی میان برخی از مراجعین با مسئولین کنترل ورود به تالار نمایش ریاست جمهوری در کشور ونزوئلا فیلم بودیم. همچنین در نوبت نمایش یک فیلم، خبرنگاری که در سالن جای نشستن پیدا کرده بود به نشانه اعتراض، روی سن نشست که هیاهوهایی را ایجاد کرد.

سفرای شش کشور آمریکای

لاتین با حضور در سی و یکمین

جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

به تماشای فیلم مستند «به نام

آزادی» نشستند. مستند «به نام

آزادی» به کارگردانی سید محسن موسوی جمعه ۲۰ بهمن در مرکز

بین‌المللی فیلم فجر بودند.